

گفت‌وگو

در سال‌های اخیر گهگاه اتفاقی وحشتناک و جنایتی هولناک رخ داده که در سطح اجتماع به شکل وسیعی توجهات را به خود معطوف کرده اما قطعا کمتر جنایتی به اندازه تجاوز و قتل ستایش ۶ ساله توجهات را به خودش جلب کرده و باعث تأثر و تألم اجتماعی در توده‌های مختلف شده است. جنایتی بزرگ از سوی پسری ۱۷ ساله و معجونی از قتل، تجاوز، اسیدپاشی و سوزاندن، مستی و مواد و... همانند همه اتفاقات اینچنین، این حادثه نیز چند صبحی موحی از احساسات را در رسانه‌ها ایجاد کرد اما سوال اینجاست: واقعا تا چه میزان مجامع علمی و اندیشمندان ما به وارسی دقیق این ماجرا پرداختند و به دور از سیاسی‌کاری‌ها و فرصت‌طلبی‌های متداول تلاش کردند به ریشه‌های واقعی این اتفاقات پی ببرند تا بتوانند راهکارهایی مناسب به جامعه ارائه دهند. با بررسی فضای رسانه و مطالعه مصاحبه‌های گوناگون انجام شده با قاتل ستایش و برخی مطلعان ماجرا می‌توان متوجه شد بسیاری از این مصاحبه‌ها از سوی افراد غیرمربوط در این زمینه انجام شده و بیشتر جنبه هیجانی و احساسی دارد. در این بین از آنجا که آگاه شدیم دکتر سیدکامیل حسینی مصاحبه‌ای مفصل حدود یک ماه پیش با قاتل ستایش داشته، از ایشان خواستیم فرصت این مصاحبه را به ما بدهند تا شاید بتوانیم دقیق‌تر به ابعاد پنهان این ماجرا و علل پیش آمدن چنین اتفاقاتی پی ببریم. دکتر حسینی پیش از این نیز در زمینه آسیب‌های اجتماعی و تولید مستندهای اجتماعی مطالعه و فعالیت داشته و از محققان شناخته شده در این عرصه است.

■ امکان‌ها هست ابتدا درباره مصاحبه‌ای که با قاتل ستایش داشته‌اید صحبت بفرمایید، این مصاحبه کی و کجا انجام شد؟
ما در حال ساخت مستندی در زمینه الکلیسم در ایران بودیم. به هر حال مانند هر پژوهشگر و مستندسازی به دنبال یافتن افراد درگیر با ماجرا که به شکلی یا بیماری صعب‌العلاجی پیدا کردند یا جرم و جنایتی مرتکب شدند، می‌گشتیم. در این بین یکی از دوستان روزنامه‌نگار که تا حدودی در جریان پرونده قاتل ستایش قرار گرفته بود اطلاع داد قاتل ستایش هم در حال مستی این جنایت را مرتکب شده و ما درصدد برآمدیم مصاحبه‌ای با وی ترتیب بدهیم. خب! کار بسیار مشکل و سختی بود اما به لطف خدا و با حدود ۶ ماه پیگیری محقق شد و تقریبا حدود یک ماه پیش موفق شدیم مصاحبه‌ای با قاتل ستایش در زندان رجایی‌شهر ترتیب بدهیم. بعید می‌دانم با توجه به سختی انجام مصاحبه در زندان رجایی‌شهر و نزدیک شدن زمان اعدام وی، گروه دیگری بعد از ما توانسته باشد مصاحبه‌ای با او انجام بدهد. البته ما تا الان برون‌دادی از این مصاحبه نداشته‌ایم و بنایمان بر این بوده تا بعد از اجرای حکم اعدام نیز چیزی منتشر نکنیم، چون این ترس را داشتیم تا بر اثر یا عدم اجرای حکم موثر باشد، این مصاحبه را هم لطفا فقط در حالی منتشر کنید که حکم اعدام اجرا شده باشد. این را هم بگویم اگر اعدام او در حدود یکی دو ماه پیش اجرا می‌شد ما هم نمی‌توانستیم این مصاحبه را بگیریم که حالا بنا به مصلحتی اعدام به تعویق افتاد.

■ کمی درباره چگونگی انجام این جنایت صحبت کنید.

چندان دوست ندارم وارد این موضوع شوم چون این جنایت به شکل‌های مختلفی توصیف شده و برخی از افراد نزدیک به پرونده هم درباره آن توضیح دادند و البته خود قاتل نیز حرف‌هایش را تغییر داده، با این حال به صورت خلاصه برداشت شخص من از صحبت‌هایی که هم با قاتل و هم دیگر منابع داشته‌ام به اینگونه است که قاتل تحت تأثیر مواد و مشروب بوده و هم فیلم ترسناک و صحنه‌دار در شب پیش نگاه کرده و هم فیلم‌های پورن را به صورت مرتب می‌دید، همچنین دچار یک فشار عاطفی به دلیل رها شدن توسط یکی از دوست‌دخترهایش هم بوده، از سوی دیگر هم طبقه بالای خانه تقریبا به صورت آزاد و بی‌نظارت خانواده در اختیار وی بوده. همه اینها زمینه را برای انجام این جنایت فراهم کرده، از سوی دیگر این دختر بی‌گناه برای بازی با بچه‌های خانواده به منزل وی می‌آید که با رفتن خانواده‌ها این دختر با این پسر تنها می‌شوند. قاتل هم به بهانه نشان دادن چیزی دختر را به همان طبقه بالای کذایی می‌کشاند و به او تجاوز می‌کند و بعدا هم به گفته خودش از ترس اینکه این جنایت فاش شود دختر را به طرز فجیعی در آشپزخانه می‌کشد. بعدا هم گویا برای رهایی از جسد روی آن اسید بازکننده فاضلاب می‌ریزد و... البته ماجرا فجیع‌تر از این هست که گفتن ندارد.

■ کمی درباره آنچه باعث شده این فرد این جنایت به این هولناکی



مصاحبه با دکتر سیدکامیل حسینی پیرامون «قاتل ستایش» و ریشه‌های رفتار ضداجتماعی

مواد، مشروب و روابط جنسی

پیش از اعدام قاتل ستایش با او مصاحبه کردم

را در این سن انجام دهد توضیح دهید.

می‌توان این عوامل را به چند دسته تقسیم کرد که من سعی می‌کنم با توجه به آنچه از زندگی قاتل فهمیده‌ام به آنها اشاره کنم؛ یکی بعد فردی، دیگری خانوادگی و سپس اجتماعی. این را هم در ابتدا بگویم اینها برداشت من و شناخت من است از این آدم و فضای پیرامونش و ممکن است اشتباه باشد. در بعد اجتماعی فضای پیرامون قاتل جرم‌خیز است. متأسفانه ما این را در بسیاری از محله‌های پیرامونی شهرهای بزرگ می‌توانیم ببینیم فقر فرهنگی و اقتصادی در این فضاها دست به دست هم می‌دهد تا این مناطق زمینه‌ساز جنایت شوند. دسترسی آسان به مواد و مشروب و... و استفاده زودهنگام این مواد توسط برخی نوجوانان، گروه‌های همسالان نابالغ، افتخار به جنایت و کزرفتاری، عدم امکانات سالم برای پر کردن اوقات فراغت، مدارس مشکل‌دار و ...

همین قاتل از سن پایین هم مواد و هم مشروب را شروع کرده بوده و به هر دوی اینها وابسته شده بوده اما براحتی و با هزینه کمی می‌توانسته اینها را از فضای پیرامونش تهیه کند. در همین



همان روز در مدرسه و شب قبلش فیلم صحنه‌دار دیده بوده، خب! انسانی که آنقدر تحت تحریک جنسی قرار می‌گیرد و این تحریکات آنقدر در دسترس است بسیار احتمال اینکه دست به جنایت زده یا برای شبیه‌سازی این صحنه‌ها تلاش کند افزایش می‌یابد؛ این یک بحث علمی است و تحقیقات مختلف در ایران و حتی آمریکا این امر را به اثبات رسانده و قطعا این فیلم‌های پورن بر رفتار انسان موثر است.

■ مدرسه چطور؟

به نظرم مدرسه هم نقش داشته! اینطور که بنده از صحبت‌های مختلف و صحبت‌های خود قاتل فهمیدم، وی در مدرسه در همان روز فیلم پورن دیده و مشروب هم خورده، خب! این بعید است مربوط به تنها یک روز خاص بوده باشد و به نظر کار معمولی بوده است. این چه سیستم آموزشی است که آنقدر بچه را رها و ول می‌کند، چرا نباید معلمی یا کسی متکفل پرورش و نظارت باشند و چرا نباید کادر آموزشی برای فرسودگی دانش‌آموزان به صورت مشخص تلاش کنند؟! ببینید! مشاهدات ما نشان می‌دهد در کانون اصلاح و تربیت همین بچه‌های مجرم تا حدودی تحت

زود تن به مواد، مشروب، روابط جنسی و ... داده است. هر چقدر مواجهه با اینچیزها زودتر اتفاق بیفتد خطرناک‌تر و ماندگارتر است. این جنبه زیستی هم دارد یعنی مثلا کسی که درگیر مشروب می‌شود هرچه نوجوان‌تر باشد حتی آسیب‌های زیستی و جنسی بدتری می‌خورد. در بعد مسائل جنسی نیز همین‌طور است؛ این مواجهه زودهنگام با محتوای جنسی و بلوغ زودرس و به تبع آن رابطه جنسی و ... اینها همه آسیب‌زا است و این فرد متأسفانه بسیار زود با اینطور مسائل درگیر شده بود و واقعا راه نجات بسیار مشکل می‌شود. این آدم حدود ۷ سالگی با محتوا و عمل جنسی درگیر شده، خب! این عوارض و این روابط جنسی هم در ادامه پیش می‌آید. این مطلبی است که خانواده‌ها باید به آن توجه کنند.

■ گویا قاتل از تجاوز در کودکی به خودش هم صحبت کرده بود؟
بله! من هم قبل از مصاحبه خودمان در مصاحبه‌ای خوانده بودم و از وی پرسیدم. او گفت در کودکی در محله‌شان از او سوءاستفاده جنسی شده بوده، مقداری دقیق‌تر شدیم که ببینیم راست می‌گوید یا نه، برداشت من از حرف‌هایش این بود که این عمل واقعا اتفاق افتاده و برای ما توصیف کرد اما امکان گفتنش به صورت مشخص نیست، عجلانما اینکه اینطور بوده است. خودش می‌گفت این موضوع در ذهنش مانده و چه بسا این ماجرا هم زمینه‌ساز این موضوع شده باشد.

■ نظر تان درباره اعدام این شخص چیست؟

نمی‌دانم چقدر درست است که گفته شود اما الان مد روشنفکری در این است که گویا باید جلوی همه اعدام‌ها را گرفت. قطعا هیچ انسان سالمی از اعدام شخصی دیگر خوشحال نمی‌شود و این را در سیره معصومین داریم که حتی در جنگ رو در رو از کشتن دشمن مستقیم شمشیر به دست، ابراز دردمندی و اندوه کرده‌اند، چه رسد به اعدام اما واقعیت این است که در برخی موارد و در اجتماع برای نجات انسان‌های بی‌گناه بالاخره لازم است که عدای این حکم دربارشان اجرا شود و به مجازات عمل‌شان برسند و نکته اینجاست که این مجازات هم گاهی متوقف به پشیمانی از عمل نیست، چون اولاً این پشیمانی چون امری درونی است قابل اثبات نیست، ثانیاً معمول مجرمان بعد از ارتکاب با کمی آرامش و تفکر از عمل خود پشیمان می‌شوند و اگر قرار باشد اجرای حکم با ابراز پشیمانی متوقف شود جنبه بازدارندگی خود را از دست می‌دهد و بسیاری نکات دیگر. برای من به عنوان کسی که تا حدودی با این ماجرا درگیر شده بود و با این آدم رو در رو صحبت کرده بود، اندیشیدن به اینکه او قرار است مثلا فردا اعدام شود یا بزودی اعدام می‌شود مشکل بود اما اگر قرار بود او با این سطح از جنایت و با این پیشینه از بزه اعدام نشود پس چه کسی مستحق اعدام است؟ و چه ضمانتی وجود داشت که این اعمال در شکل یا درجه‌ای دیگر تکرار نشود؟ و چطور می‌شد از خانواده‌ای که این بلاها بر سر کودک ۶ ساله‌شان آمده توقع گذشت داشت؟ و... به نظرم ما در بسیاری از مسائل راه تعادل و تعقل را رها می‌کنیم و موضوع را سیاسی می‌بینیم و این بحث جلوفتاری از اعدام نیز در جامعه ما اینطور شده و متوجه عواقب اجتماعی این سیاسی‌بازی‌ها نیستیم.

■ نکته پائانی اگر مانده بفرمایید.

ببینید! اگر می‌خواهیم به طور جدی با معضلات جنسی مبارزه کنیم باید هم به فکر کاهش تحریک در جامعه‌مان باشیم و هم ایجاد امکان تأمین مشروع و سالم. این کاهش تحریک، از فیلم و اینترنت و پوشش و چشم فروانداختن و خیلی چیزهای دیگر را در بر می‌گیرد که باید هم فرد و هم خانواده نسبت به این مسائل حساس باشند و هم حاکمیت در فضای کلان فیلم، تلویزیون، سینما، اینترنت و... متوجه این فضا باشد. نمی‌شود فضای تحریک آنقدر بالا باشد بعد بخواهیم گناه و جرم جنسی و تجاوز نداشته باشیم؛ این را به وضوح تجربه و آمار غرب نشان می‌دهد. از سمت دیگر با توجه به بحث بلوغ زودرس و فاصله ایجاد شده تا ازدواج، خانواده و حاکمیت باید متوجه بحث تأمین مشروع و سالم نیاز جنسی باشند که آسان کردن ازدواج و کم کردن تشریفات و ایجاد شرایط شغل و مسکن در سن پایین‌تر و بحث مربوط به عقده‌های غیردائم و بسیاری موارد دیگر می‌تواند یک مقداری این فضا را سبک‌تر کند. باید به این نیاز توجه کرد. نمی‌شود تأمینش نکنید و بعد بخواهید جامعه‌ای آرام و سالم داشته باشید، البته این نیاز برای دختران و پسران از نظر عاطفی و جنسی متفاوت و نحوه تأمین آن هم متفاوت است ولی بالاخره هست و باید به آن توجه شود. ما باید متوجه حقوق جنسی و عاطفی افراد جامعه باشیم.

جihad

جihad

محبوبانی

جهاد ادامه دارد

با نذر چند ساعت در

حقنه هم، بیشه مگن

نیز زندگی روح‌کند کرد.

به ما بپیوندید با ارسال عدد ۸ به سامانه پیام کوتاه ۱۰۰۰۱۴

ثبت نام در سایت: www.jahad.ir | [Telegramme/jahad_ir](https://t.me/jahad_ir) | شماره تماس: ۷۱۳۸۷